

# فرهنگ و آهنگ

مجله‌ی موسیقی | دوره‌ی دوم | سال اول | زمستان ۵۰ هزار و سیصد و نود و چهار | قیمت ۱۵۰۰۰ تومان

# سه‌میلیون از موهبت

۱۶ سال ارکستر موسیقی ملی درگفت وگوباسه زهبرش

فخرالدینی، کیارزس، گوران

ناگفته‌ی حافظ ناظری و ناگفته‌ها

دقیقاً کجایی؟

حاشیه‌های موسیقی سریال شهرزاد

ماجراهای خانهدی موسیقی و منتقدانش

نوشته‌هایی درباره‌ی ابراهیم معدوف، اد شیران، گروه‌های بُمرانی، کارین، اوپن سورس



## به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان

بهار آمد و گویی که باد نوری | فشانده مشك بر اطراف باغ پیروزی «سیف فرغانی»

فرهنگ و آهنگ  
دوماهنامه‌ی اطلاع‌رسانی، خبری، تحلیلی در زمینه‌ی موسیقی  
دوره‌ی دوم - سال اول شماره‌ی پیاپی ۳۲ - زمستان ۱۳۹۴

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: کیوان فرزین  
سرمدبیر: بهرنگ تنکابنی / معاون سرمدبیر: نشاط نوذری

شورای نویسندگان:  
کیوان فرزین، حسام گرشناسی، علی مسعودی نیا  
فرزانه ابراهیم‌زاده و صبا علیزاده

گرافیک: استودیو تهران  
مدیر هنری: فرهاد فزونی

طراحان: مهدی قاسمی، حمید قدسی، جمشید دژآگاه

فونت‌ها: کریم‌ال‌تی، اس‌تی امیرآباد (نسخه‌ی بتا)، اس‌تی ونک

(نسخه‌ی بتا)، اس‌تی بهارستان (نسخه‌ی بتا)، اس‌تی جلقا (نسخه‌ی بتا)

شبکه‌های اجتماعی: بحیا فرمانی

همکاران این شماره:

روزیه اسفندارمز، مزدا انصاری، امیر بهاری، فرشاد توکلی

ارشیا جم، محمد خلیلیان، رضا دبیری‌نژاد، میلاد دیلم‌صالحی

احمد صدری، آرش عاشوری‌نیا، علیرضا عشقی، مینا عینی‌فر

عیسا غفاری، پویان فرزین، فرزانه فرنیسا، سیامک قلی‌زاده

سیدابوالحسن مختاباد، علی مطلب‌زاده، پدرام نیک‌سیرت و

حمیده مسیح شرقیان.

نشانی: خیابان خالد اسلامبولی (وزرا)، کوچه‌ی ششم، شماره ۱۹،  
طبقه‌ی سوم. تلفن: ۸۱۰۵۱۱۵

بخش دکه‌ها: نامه امروز. تلفن: ۸۳۳۸۵۵۳





کُنسِرت‌های گمشده (۲)

---

در پییده

اولین بهار

---

فرزانه ابراهیم زاده



## روزهای تردید و امید

سال ۵۸ که با فرماندوم و رای قاطع مردم به جمهوری اسلامی در سایه شعارهای ضد استکباری و محور آثار رژیم شاهنشاهی از سوی همه گروه‌ها با اندیشه‌ها و عقاید مختلف آغاز شد؛ سالی پر از بیم و امید بود. مانند همه انقلاب‌های جهان جوش و خروش انقلابی تازه شدت بیشتری گرفته بود و روزنامه‌ها پر از اخبار دادگاه‌ها و اعدام‌های انقلابی و فاش کردن خیانت‌های رژیم قبلی بودند و برخی دیگر به دنبال تیرگی خود از انتساب شدن به دولتی که ساقط شده بود. همه گروه‌های سیاسی برابر و هم‌دوش هم بودند و به دنبال ثبت برادری هم بودند، اما هیچ‌کسی تصمیم قطعی نمی‌گرفت.

شعارهای انقلابی با شدت بیشتری نسبت به قبل بر در و دیوار میدان‌ها و خیابان‌ها و همچنین زبان مردم جاری بود. شعارهایی که چهره‌ی هنر آن روزگار را نشان می‌داد. هنرمندانی که هنوز به جریان انقلابی نپیوسته بودند مانند دانشجویان، استادان دانشگاه و گروه‌های دیگر در سکوت و انتظار بودند تا از لابه‌لای کمیته‌هایی که توسط گروه انقلابی تشکیل شده بود تکلیفشان روشن شود. برنامه‌ی هنری تالار رودکی از شهریور سال ۵۷ با انتصاب محمود خوشنما به مدیریت آن تعطیل شده بود و برنامه‌ی موسیقی در آن اجرا نمی‌شد.

دوم اسفند ۵۷ حدود ده روز بعد از پیروزی انقلاب صادق حکیم که موسس و مدیر آن بود در آن زمان یکی از سالن‌های اجرای موسیقی بود را مهر و موم کنند تا سرپرست تازه آن را معرفی کنند. برخی از هنرمندان چون رضا زیان و عباس نعلبندیان نیز دستگیر شدند. اتفاق‌هایی که هنرمندان را بیش از پیش نسبت به فضای پیش‌رو بدبین کرد. ۲۲ اسفند در دولت موقت شورای عالی فرهنگ تشکیل شد. شورایی که قرار بود وضعیت هنری و فرهنگی کشور را مشخص کند. در این شورا افرادی چون علی شریعتمداری، پرویز ورجاوند، رضا داوری، محمد محیط طباطبایی و ناصر تکمیل‌همایون عضویت داشتند. این شورا در جلسه‌ای که در هشتم فروردین برگزار کردند تصمیم گرفتند که کمیته‌هایی را برای ارزیابی و ساماندهی وضعیت فرهنگی کشور تشکیل شود. این کمیته‌ها یک هفته بعد از این تصمیم با حضور افرادی چون ورجاوند، تکمیل‌همایون، محمد محیط طباطبایی، مصطفی رحیمی - که بعدها به عنوان دبیر شورا منسوب شد - محمد علی جعفری، خسرو فرشیدورد، مرتضی ممیز، فتح‌اله مجتبایی، محمود عنایت و... تشکیل شد. فوزیه مجد نیز از سوی اهالی موسیقی به این کمیته دعوت شد تا سیاست فرهنگی را تدوین کنند. آنچه این کمیته‌ها تدوین کردند بعدها به انقلاب فرهنگی منجر شد.

در چنین فضایی مدیریت فرهنگی هنری موسیقی منحصر شده بود به سرودهای انقلابی که در تلویزیون و رادیوی در حال تصفیه‌ی آن روزگار در حال ساخت بود و بازخوانی سروده‌های گروه‌های سیاسی آن روزگار. در کنار اینها سروده‌هایی هم بود که بعد از استعفای دسته جمعی دو گروه عارف و شیداد در زیرزمین خانه‌ی محمد رضا لطفی ساخته و ثبت شده بود. همان

زیرزمین خیابان امیرآباد که به گفته‌ی هادی منتظری در میان اعضای گروه به اتوبوس معروف بود: «این زیرزمین شد محلی برای حضور جدی همه‌ی ما. یادم هست بیژن کامکار فرد فنی گروه بود. همیشه در خانه‌اش هم کارهای خوبی را انجام می‌داد. خیلی هم باسلیقه بود. موکت گرفت و آنجا را موکت کردیم. یک متر و چند سانت بود در ده متر. همان جا تمرین‌های ما شروع شد. اولین آهنگمان نیز «برادر بی‌قراره» بود.»

سروده‌هایی که سرانجام از آن زیرزمین بیرون آمدند و برای اولین بار نیمه‌ی اردیبهشت ۵۸، یک ماه بعد از تشکیل دولت جمهوری اسلامی در آمفی تئاتر دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران روی صحنه رفتند. اتفاقی که به گفته‌ی کسانی چون مجید درخشانی، هادی منتظری و علی اکبر شکارچی از اعضای گروه شیدا به آسانی شکل نگرفت.

با موسیقی اصیل جلوی موسیقی تقلبی را می‌گیریم جمشید مشایخی در تاریخ ۱۸ فروردین ۵۸ درست یک روز بعد از دریافت حکم ریاست اداره‌ی تئاتر در گفت‌وگو با خبرگزاری پارس با تاکید بر از بین بردن سانسور و فضای پلیسی در هنر اعلام کرد که به زودی در تالار سنگلج و تئاتر شهر برنامه‌های تئاتر و موسیقی برگزار می‌شود. بیست روز بعد از اعلام آمادگی تئاتر شهر و سنگلج برای اجرای موسیقی پرویز ورجاوند قائم مقام وزارت فرهنگ و هنر دولت موقت در نشست خوبی، بدنامه‌های کثرت را شرح داد. حدود حرف‌های او موسیقی بود. روزنامه‌ی آیندگان ۸ اردیبهشت ۱۳۵۸ در صفحه‌ای با تیتراژ «با موسیقی اصیل، جلوی موسیقی تقلبی را می‌گیریم.» از ورجاوند نقل قول کرد: در موسیقی با دو مساله روبه‌رو هستیم، اول اینکه رادیوهای بیگانه با پخش موسیقی سعی دارند شنوندگانشان را افزایش دهند تا در پی آن بتوانند گفتارهای خود را پخش کنند. دوم همین رواج بی‌حد و ضابطه‌ی موسیقی تقلبی انقلابی است که اگر به زودی اقدام نکنیم، موسیقی مبتذل جدی اشاعه خواهد یافت. ما قصد داریم با کمک تلویزیون و رادیو موجبات تهیه و اجرای موسیقی اصیل را پیش آوریم و این توان را ببخشیم که جلوی هر دو مشکل گرفته شود.»

روزنامه‌ی اطلاعات نیز در همین روز بخش دیگری از حرف‌های سرپرست وزارت فرهنگ و هنر را چنین گزارش داد: «دکتر ورجاوند در زمینه‌ی موسیقی ملی و فولکوریک گفت: ما می‌خواهیم روی تمام ترانه‌های اصیل و سنگین کار کنیم و با توجه به اینکه ترانه‌هایی که در آرشو است از لحاظ ضبط وضع درستی ندارد این ترانه‌ها دوباره باید ضبط شود. گروهی به سرپرستی آقای پایور همراه با آقای شجریان مشغول به کار هستند.»

با اعلام نظر وزارت فرهنگ و هنر تکلیف بخشی از موسیقی روشن شد و جمعی از اهالی موسیقی چون حسین دهلوی، سعدی حسینی، علی نجویدی و محمود خوشنما کانون آزاد موسیقی ایران را در بیستم اردیبهشت ۵۸ تشکیل دادند؛ کانونی که در میان اهداف ده‌گانه‌ی آن نکاتی چون ایجاد موقعیت و اعتبار اجتماعی و فرهنگی برای موسیقی و موسیقی‌دان، ایجاد امکانات و تسهیلات ضروری برای فعالیت‌های هنری

روزنامه‌ی آیندگان  
اردیبهشت ۵۸

داشت  
رئیس‌های  
زیبا  
دانشگاه تهران برنامه خواهد  
در ساعت ۱۰:۳۰ گروه  
موسیقی شیدا امروز پنجشنبه  
بعنوان زنگ تفریح در آمفی تئاتر دانشکده

پتهوون

مرکز موسیقی پتهوون شیراز



و در نتیجه فراهم آوردن فضای مناسب برای رشد و پرورش استعداد‌های خلاق در زمینه‌های گوناگون موسیقی ملی و بین‌المللی، مبارزه با هرگونه ابتذال و هنرمندنمایی در جامعه موسیقی ایران و ارتقای سطح ذوق و اندیشه‌ی هنری در توده‌های مردم، ایجاد هماهنگی میان هنرمندان در زمینه‌ی پذیرش سفارش‌ها و آفرینش‌های هنری، برای جلوگیری از دوباره کاری و نیز ایجاد فرصت‌های مساوی برای اشتغال عادلانه‌ی همه‌ی هنرمندان و ایجاد فضای ضروری مناسب برای برخورد عقاید و آرای هنرمندان موسیقی و آشنایی آنان با آرای صاحب‌نظران موسیقی در شرق و غرب به چشم می‌خورد. در یکی از بندهای این اساسنامه بر حمایت از حقوق انسانی و اجتماعی همه‌ی دست‌اندرکاران موسیقی (آهنگسازان، اجراکنندگان، استادان، هنرآموزان، نویسندگان، منتقدان، ترانه‌سرایان و...) از قبیل ایجاد تسهیلات استخدامی، بیمه، بازنشستگی، بورس‌های مطالعاتی، تکثیر و پخش و چاپ آثار، برگزاری کنسرت، برقراری مبادلات هنری بین‌المللی، جلوگیری از دستبرد آثار هنری تاکید شده بود. بندی که به هنرمندان این آرامش خاطر را می‌داد که به سراغ خلق آثار هنری تازه بروند.

جنب و جوش تازه‌ای در میان اهالی موسیقی آغاز شد و در این میان اعضای گروه شیدا که به همراه گروه عارف که کانون چاووش را در کنار هم تاسیس کرده بودند تصمیم به برگزاری نخستین کنسرت بعد از انقلاب در یکی از سالن‌های تهران گرفتند. با وجود نظر مثبت رییس اداره‌ی تئاتر وضعیت تئاتر شهر آن قدر نابسامان بود که فکر اجرای برنامه در آن ناممکن بود. تالار وحدت هم هنوز وضعیت درستی نداشت، پس گروه شیدا به فکر برگزاری کنسرت در یکی از دانشگاه‌های تهران افتاد. نخستین مقصد گروه شیدا دانشگاه علم و صنعت

### قلم مقام فرهنگمنان:

بود. کنسرتی که علی‌اکبر شکارچی به یاد می‌آورد که با حضور یک کارگر روی صحنه و تهدید اعضای گروه لغو شد. اما این لغو باعث دلسردی این گروه جوان به سرپرستی محمدرضا لطفی و حسین علیزاده نشد و روزنامه‌ی آیندگان در تاریخ ۳۰ اردیبهشت در کنار تبلیغ انتشار سومین نوار کانون چاووش در خبری کوتاه نوشت: «گروه شیدا به سرپرستی حسین علیزاده از امروز به مدت سه شب در آمفی تئاتر دانشکده‌ی هنرهای زیبا برنامه خواهد داشت. این برنامه‌ها از ساعت ۱۹ آغاز می‌شود.» این خبر در روزی منتشر شد که به دلیل ادغام دو وزارتخانه‌ی فرهنگ و هنر و آموزش عالی پرویز ورجاوند از قائم مقامی فرهنگ و هنر استعفا کرد و معاونت فرهنگ و هنر به مهدی برکشلی آهنگساز و پژوهشگر و از استادان هنرستان موسیقی رسید.

### دراهرنایدن موسیقی از قید کلام

کنسرت گروه شیدا در دانشگاه تهران در روز ۳۰ اردیبهشت ۵۸ نخستین کنسرتی بود که اخبار کوتاهش لایه‌لای اخبار کوتاه و بلند روزنامه‌ها گم شد. اما از همان اخبار کوتاه هم می‌شد به خوبی فهمید که این کنسرت در سالن نه چندان بزرگ آمفی تئاتر دانشکده‌ی هنرهای زیبا که چند ماه بعد محمدرضا لطفی به ریاست آن برگزار شد. پیشنهاد برگزاری این کنسرت هم آن چنان که هادی منتظری یکی از اعضای گروه چاووش به یاد می‌آورد؛ برای نخستین بار از سوی لطفی و علیزاده مطرح شد. اینکه کدام یک تصمیم نهایی را گرفتند البته موضوعی است که هر کدام از اعضای گروه یک نظر دارند. منتظری که در سال‌های ۵۵ توسط لطفی به‌عنوان نوازنده‌ی کمانچه به گروه شیدا پیوسته بود می‌گوید: «مغز متفکر گروه محمدرضا لطفی بود ما فقط ساز می‌زدیم. ایشان دوست آقای ابتهاج و

## باموسیقی اصیل، جلو موسیقی انقلابی قلبی را می‌گیریم

**پویاکسانی اعتباریاز سازی سینما می‌دهیم که قصدشان انجام کارهای فرهنگی است**

خود باز می‌گردد و تلاش مایه از انقلاب این است تا این امکان را برای فرهنگ و هنر فراهم کنیم که مردم بتوانند با آزادی به آفرینش بپردازند و آدم‌در این فرهنگ تربیت شود.

دکتر ورجاوند، قائم مقام فرهنگ و هنر، صبح پنجشنبه در یک مصاحبه مطبوعاتی شرکت کرد و به سؤال‌های خبرنگاران در باره‌ی مسائل مختلف فرهنگ و هنر پاسخ گفت.

ورجاوند، در ابتدای گفتگوی مطبوعاتی، ضمن تبریک تولد کشور تئاتر فرهنگ در جامعه و پیوند فرهنگ ایرانی‌پژندگی‌روزمره، اظهار داشت که «مردم ایران در هیچ زمان - به‌جز کم‌کم - به‌عنوان ملت ایران نیز مومن و به انقلاب ملت ایران نیز مومن هستند. برای عرضه‌ی فرهنگی کینه‌های مرکب‌از کارشناسان، آگاهان برگزیده شده‌اند.

کمیته‌ی های ۲۰ گانه پهلوی شرح است: کمیته‌ی بررسی در زمینه‌ی علوم و مهارت‌های اسلامی - کمیته‌ی تحقیقات مربوط به ایران باستان - کمیته‌ی ایرانی‌پژندگی - کمیته‌ی علمی و تحقیقاتی - کمیته‌ی مردم شناسی و فرهنگ‌نامه - کمیته‌ی فلسفه و تاریخ - کمیته‌ی فلسفه و فلسفه - کمیته‌ی فلسفه و فلسفه - کمیته‌ی فلسفه و فلسفه

شهرسازی - آموزش عمومی فرهنگ - فرهنگ و تکنولوژی - ادب نارس - شعر و ادب نو (روز) - زبان‌شناسی - تئاتر، سینما و اسناد و کتابخانه‌ها است.

ما در این ۲۰ کمیته‌ی تئاتر خواهیم کرد که با شرکت کارشناسان مسائل را بررسی کنیم.

دکتر ورجاوند سپس از کلیه‌ی محققان، پژوهشگران و دست‌اندرکاران فرهنگ مردم درخواست کرد که پیشنهادها خود را در این زمینه‌ها ارائه دهند.

قائم مقام فرهنگ و هنر در مورد اشاعه و حفظ موسیقی ملی گفت: «در حال حاضر در مذاکرات فرهنگ و هنر، موسیقی‌های زیادی موجود است که گر آینده آنها را بررسی خواهیم کرد.»

خواهد باعث ما فصد داریم با کمک رادیو و تلویزیون موجبات تهیه‌ی اجرای موسیقی اصیل را بیش بیاوریم و این توان را به موسیقی خوب بخشیم که جلوی هر دو مشکل سوء استفاده را که نام برده، گرفته شود.

ورجاوند در جای دیگر از مصاحبه‌ی مطبوعاتی خود گفت: «طرحی در دست‌انجام است که سازمانها و فرهنگسراها مختلف در فرهنگ و هنر را در هم‌دیگر اقدام کنیم گروه‌های حسابرسی در شهرستانها مشغول بررسی هستند و از امروز - شنبه - کارهای فرهنگی و مالی فرهنگ و هنر در تهران بررسی خواهد شد.»

قائم مقام فرهنگ و هنر در مورد تئاتر و سینما و امکانات فیلم‌سازی اظهار داشت: «ما دو اقدام موازی کردیم: اول در نظر یک برنامه بلندمدت هستیم که در کمیته‌ی استیمه شورای تعیین خط مشی فعالیت می‌کنند و دوم سینما در حال حاضر که شورای عالی سینما مرکب از کارشناسان رسمی سینمایی در آن فعالیت دارند.»

کمیته‌ی برای رسیدگی به مسائل تئاتر در اداره تئاتر فرهنگ و هنر تشکیل شده است و پس از ابراهیم‌آقا هادی در جهت بهبود کار صورت

می‌گیرد. در حال حاضر تنها دو تالار برای اجرای نمایش در تهران وجود دارد که به ۹ تالار افزایش خواهد یافت. و تالار دیگری نیز به انحصار به نمونه خاصی از کار نخواهد داشت.

کک و یا عدم کمک فرهنگ و هنر برای بازسازی سینما هایی که در طول مبارزات اخیر مردم ایران دچار آتش سوزی شده است، سؤالی بود که ورجاوند پاسخ گفت: مقصد داریم اعتبار برای باز سازی سینما را به کسانی بدهیم که قصدشان انجام کارهای فرهنگی است و شورای ملی و سینما که وجود آمده است در این زمینه تصمیم‌های لازم را اتخاذ می‌کند.

شورای موقت فیلم‌سینما که از گروه‌های مختلف تشکیل شده است، برای سینما در حال اقداماتی است و هدف ما از با گرفتن سینمای مبتلا و خلاف اخلاق جامعه‌ی مبتلا حمایت نخواهیم کرد، بلکه آن مبارزه هم می‌کنیم. مقصد ما این است که به تمام نیرو هائی که با اندیشه‌ی سازنده (بقیه در صفحه ۲)

جنب و جوش تازه‌ای در میان اهالی موسیقی آغاز شد و در این میان اعضای گروه شیدا که به همراه گروه عارف که کانون چاووش را در کنار هم تاسیس کرده بودند تصمیم به برگزاری نخستین کنسرت بعد از انقلاب در یکی از سالن‌های تهران گرفتند. با وجود نظر مثبت رییس اداره تئاتر وضعیت تئاتر شهر آن قدر نابسامان بود که فکر اجرای برنامه در آن ناممکن بود. تالار وحدت هم هنوز وضعیت درستی نداشت، پس گروه شیدا به فکر برگزاری کنسرت در یکی از دانشگاه‌های تهران گرفت. نخستین مقصد گروه شیدا دانشگاه علم و صنعت بود. کنسرتی که علی‌اکبر شکارچی به یاد می‌آورد که با حضور یک کارگر روی صحنه و تهدید اعضای گروه لغو شد. اما این لغو باعث دلسردی این گروه جوان به سرپرستی محمدرضا لطفی و حسین علیزاده نشد و روزنامه‌ی آیندگان در تاریخ ۳۰ اردیبهشت در کنار تبلیغ انتشار سومین نوار کانون چاووش در خبری کوتاه نوشت: «گروه شیدا به سرپرستی حسین علیزاده از امروز به مدت سه شب در آمفی تئاتر دانشکده‌ی هنرهای زیبا

این برنامه‌ها از ساعت ۱۹ آغاز می‌شود. این خبر در روزی منتشر شد که به دلیل ادغام دو وزارتخانه‌ی فرهنگ و هنر و آموزش عالی پرویز ورجاوند از قائم مقامی فرهنگ و هنر استعفا کرد و معاونت فرهنگ و هنر به مهدی برکشلی آهنگساز و پژوهشگر و استادان هنرستان موسیقی رسید.

روزنامه‌ی آیندگان  
۱۰ اردیبهشت ۵۸

**پتهوون**  
مرکز موسیقی پتهوون شیراز





# گروه شیدا

کانون هنری چاووش سومین نوار  
خود راحاوی قطعات :  
سواران دشت امید -  
حصار - ای ایران - ژاله خون شد -  
اتحاد - تیغ باید خون فشانند -  
شهید - آزادی.  
با اجرای تازه گروه شیدا عرضه می  
نمایند -

هنگام خرید به علامت  
انحصاری توجه شوند.



رونامه‌ی آیندگان  
خرداد ۵۸

خودشکارچی متولد روستای چم از توابع خرم‌آباد است از دل سرزمین لرستان برخاسته بود و با موسیقی سنتی ایران تلفیق شده بود. شکارچی درباره‌ی ویژگی‌های خلق لر می‌گوید: «یکی از ویژگی‌های این آلبوم این بود که من هم‌زمان با اینکه موسیقی سنتی ایران را خوب می‌شناختم، موسیقی محلی لرستان را هم به‌خوبی بلد بودم. کارکرد ترانه‌ها را می‌دانستم و می‌دانستم که چگونه می‌شود اینها را بسط و گسترش داد. شرایط اجتماعی هم باعث شد تا به موسیقی ای روی بیاوریم که ریشه در فرهنگ عامه داشته باشد. عوامل مختلفی گرد آمده بود به‌خصوص در اندیشه‌ی من که تبدیل به نواری شد که در آن قطعاتی بود که تا به آن روز استفاده نشده بود. یعنی حداقل مردها اجرا نکرده بودند.» شکارچی سه تم مهم موسیقی لرستان را در کنار هم قرار داد و حماسه‌ی خلق لر را ساخت. او برای نخستین بار آواها و لالایی‌های که توسط مادران و زنان ایلات لر خوانده می‌شد را در کنار ترانه‌های حماسی لر چون دایه‌دایه و اشترانکوه را با دو بیته‌های فارسی و لر تلفیق کرد. ترانه‌هایی که در میان مردم رواج داشت، او درباره‌ی این تلفیق توضیح داده است: آهنگ‌های سور و سوگ آهنگ‌های زنانه است. تا آن زمان مردها آن را اجرا نکرده بودند. از سوی دیگر موسیقی کار را موسیقی حساب نمی‌کردند. بسیاری از محلی‌ها معتقد بودند که این موسیقی‌های خرمن کوبی و زمان

سرپرست گروه بود. ایشان هم آهنگساز بود و هم سرپرست گروه و هم استادمان. هم دنبال چاپخانه و فیلم و زینک و ضبط می‌رفت. پولی را هم که به‌دست می‌آمد هر چقدر بود به‌صورت مساوی بین ما تقسیم می‌کرد.»  
مجید درخشانی که در آن زمان یکی از اعضای گروه شیدا بود اما می‌گوید که سرپرست گروه حسین علیزاده بود. به گفته‌ی درخشانی این کنسرت در دو بخش برگزار شد، یک بخش سرودهای چاووش ۳ بود و بخش دیگر سه‌نوازی ترانه‌های لر با حضور حسین علیزاده، علی‌اکبر شکارچی و بهمن رجبی بود که بعدها با عنوان خلق لر منتشر شد. علی‌اکبر شکارچی که نامش به‌عنوان یکی از بنیانگذاران کانون چاووش ثبت شده است درباره‌ی تنها اجرای خلق لر در آن روزها این‌گونه به یاد می‌آورد: «گروه شیدا و عارف با هم قرار بود اجرا داشته باشند. من و آقای علیزاده و بهمن رجبی قرار بود در بخشی از برنامه اجرا داشته باشیم. قطعه‌ی خلق لر که هنوز هم کامل نشده بود را آماده کرده بودیم. از آنجایی که به لحاظ فکری به آقای علیزاده بسیار نزدیک بودم و یکسری قطعات را با هم تمرین کرده بودیم؛ قرار شد این قطعه را در آغاز کنسرت اجرا کنیم.»  
قطعه‌ی خلق لر بی‌تردید یکی از حماسی‌ترین قطعاتی بود که در آن سال‌ها ساخته و اجرا شد. این قطعه با توجه به اینکه

**اقدام دانشکده های هنری**  
۱. دانشکده هنری تهران از سال تحصیلی آینده در همین مرکز اقدام وزیر نظر دانشکده تاراجی فعالیت خواهد نمود. این تصمیم شامل دانشکده هنرهای تزئینی، هنرستان‌های موسیقی، دانشکده هنرهای دراماتیک و هنرکده موسیقی خواهد شد.

رونامه‌ی اطلاعات  
اردیبهشت ۵۸





**آنلاین شدیم!**  
**فروشگاه اینترنتی گاندو**  
**راه اندازی شد**  
**www.gandostore.com**



ارسال در سریع ترین زمان ممکن برای کلیه شهرستانها پرداخت از طریق دستگاه کارتخوان

تحويل فوری محصولات در تهران قابلیت پرداخت با سیستم شتاب تحويل درب منزل

کتاب فروشی و فروشگاه گاندو | gandostore | @gandostore

تهران، خیابان کریم خان، خیابان ایرانشهر، خیابان کلانتری، پلاک ۴۸

